

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱۸

# بررسی اثرات فاکتورهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی

اصغر مبارک / کارشناس دفتر امور بین الملل وزارت بازرگانی

## چکیده

یکی از اهداف اصلی همه نظام‌های اقتصادی از جمله اقتصاد اسلامی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است. در این راستا، الگوهای مختلف رشد اقتصادی به ویژه الگوهای رشد نئوکلاسیک، تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عوامل اقتصادی نظیر سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری می‌دانستند، اما تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری نیز ریشه در عواملی دارد که اقتصاددانان نهادگرا آن را ساختار نهادی هر کشور معرفی می‌کنند.

لذا در این مطالعه به بررسی اثر عامل نهادی در کنار دیگر عوامل اقتصادی بر رشد اقتصادی می‌پردازیم. عامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت) است که به طور جداگانه و کلی برای کشورهای اسلامی مورد نظر از بین کشورهای مصر، ایران، ترکیه، عربستان، مالزی، اندونزی و کویت با سطوح مختلف توسعه در دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد میزان تاثیرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر دارای تاثیرگذاری کم‌تری است.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نهادهای حاکمیتی، حکمرانی خوب، فساد اقتصادی

JEL: K۱۱, K۱۲, K۱۳

## ۱- مقدمه

در صدر اسلام پیامبر (ص) با تشکیل حکومت اسلامی، تاکید در نحوه اداره و تلاش زیادی در اداره جامعه اسلامی داشتند، به ویژه توجه خاص ایشان در حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی بر نهادها، که امروزه در قالب نظریات مختلف اقتصادی و تکامل این نظریات، لزوم توجه به این مسائل کاملاً مورد تایید قرار گرفته است؛ به طوری که تا اواخر دهه نود الگوهای رشد تنها به بررسی عوامل اقتصادی رشد نظیر سرمایه انسانی و فیزیکی، بهره‌وری، جمعیت، شرایط جغرافیایی و غیره می‌پرداختند. ولی این الگوها نتوانستند دلیل تفاوت درآمد سرانه کشورها را به طور کامل توضیح دهند و این خود منجر به پیدایش نظریه‌های جدیدی در ادبیات رشد گشت که رشد اقتصادی را محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانست. از جمله این نظریات، امور اقتصادی نهادگرای جدید<sup>۱</sup> است که عامل نهادی<sup>۲</sup> را وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد نمودند و عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و غیره را که در الگوهای قبلی رشد مفروض گرفته می‌شدند از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند؛ چرا که نهادها را شکل دهنده محیط اقتصادی در کشورها می‌دانستند و عامل اصلی عقب ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کردند.

برای این منظور در این مقاله، عامل نهادی را در شش دسته شاخص جداگانه (حق اظهار نظر و پاسخگویی<sup>۳</sup>، ثبات سیاسی<sup>۴</sup>، حاکمیت قانون<sup>۵</sup>، کنترل فساد<sup>۶</sup>، کیفیت بوروکراسی<sup>۷</sup> و اثر بخشی دولت<sup>۸</sup>) که به شاخص‌های ترکیبی حکمرانی معروف است، با تاکید بر هر کدام از این نهادها در صدر اسلام، مورد استفاده قرار خواهیم داد. اثر هر شاخص نهادی به طور جداگانه ارزیابی خواهد شد. همچنین به خاطر اهمیت حکمرانی در عملکرد اقتصادی کشورها، شاخصی را که نشان‌دهنده متوسط شش دسته ذکر شده در بالاست، در نظر گرفته و از روی آن در مورد اهمیت کیفیت حکمرانی دآوری می‌شود.

## ۲- مروری بر ادبیات عوامل نهادی

برای ورود به بحث اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی لازم است مروری بر ادبیات مطرح در این زمینه داشته باشیم. ابتدا به ادبیات مربوط به الگوهای رشد می‌پردازیم، چرا که شناخت نقص الگوهای قبلی که منجر به ورود نهادها به تحلیل‌های رشد شده است می‌تواند به درک بهتر موضوع کمک کند. در بخش دیگر به مفهوم نهاد و اهمیت آن و این که چرا برخی کشورها نهادهای قوی دارند اما

برخی دیگر از بستر نهادی مناسبی برخوردار نیستند، می‌پردازیم و سپس به ذکر مواردی از نحوه سازمان‌دهی و اداره نهادها در صدر اسلام، که منجر به رشد و توسعه اقتصادی شد خواهیم پرداخت.

## ۱-۲- الگوهای رشد نئوکلاسیک و درون‌زا

الگوهای رشد نئوکلاسیک نسبت به الگوهای "کینزی" هارود و دومار گامی به پیش بود. این الگوها با دخالت دادن قیمت عوامل و جایگزینی عوامل تولید امکان ژرف تر نمودن الگوی قبلی را فراهم ساخته و توانستند مشکل بی‌ثباتی "لبه تیغ چاقو" در طرح‌هارود-دومار را حل کنند.

در دهه ۱۹۵۰، رابرت ام. سولو<sup>۹</sup> الگویی را معرفی کرد که اینک به صورت ابزار استاندارد مطالعات مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهاده‌های عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش میزان نهاده از یک یا هر دو عامل تولید باشد. برون‌زا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکلاسیک جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیر گذاردن بر نرخ تعادلی بلند مدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال‌های کوتاه مدت بین حالت‌های به اصطلاح ثابت، باقی نمی‌گذارد. با وجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۶) و لوکاس<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۸) مطرح شدند و نرخ رشد را به طور درون‌زا به وسیله پارامترها (عوامل) داخل الگو تعیین می‌کردند. الگوهای رشد درون‌زا، در جهت‌های مختلفی توسعه یافته‌اند، برای نمونه فرض بر اثرات خارجی سرمایه‌گذاری (به اصطلاح اثر سر ریز<sup>۱۲</sup>) گذاشته‌اند به طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند در حالی که در سطح بنگاه اقتصادی بازدهی ثابت است. [۲]

با این‌که نظریه‌های جدید رشد، رشد پایدار و پیشرفت، تکنولوژی را درون‌زا کرده‌اند، اما توضیح آن‌ها از تفاوت‌های درآمدی مشابه تئوری‌های قبل از خود است. برای نمونه در مدل رومر (۱۹۹۰)، یک کشور در صورتی پیشرفته‌تر از دیگری است که منابع زیادی را به اختراعات و ابداعات اختصاص داده باشد اما چه ویژگی اساسی می‌تواند دارایی و تکنولوژی را برای ایجاد نوآوری برتر سازد، پرسشی است پیش روی این مدل‌ها، که قدرت پاسخگویی به آن را ندارند. [۴]

الگوهای درون‌زای رشد و به تبع آن طرح شدن چنین پرسش‌هایی علاقه به روند نهادینه شدن و سیاست اقتصادی را به عنوان عوامل سیاسی موثر بر رشد اقتصادی دامن زدند و منجر به ظهور ادبیات نوینی در رشد اقتصاد سیاسی شد که از آمیزش نظریه جدید "رشد درون‌زا" و "اقتصاد سیاسی کلان" نوین به وجود آمده است. این دو حوزه پژوهش در نوع خود نوپا هستند به طوری که، در ادبیات

رشد، نکته تازه و بدیع تلاش برای بررسی رشد اقتصادی به عنوان متغیری درون‌زاست که تحت تأثیر عوامل چندی ورای پیشرفت فنی و رشد جمعیت می‌باشد. ادبیات اقتصاد سیاسی کلان عوامل تعیین‌کننده درونی را معرفی می‌کند که بر انتخاب سیاست تأثیر می‌گذارند و فراتر از دامنه الگوهای استاندارد اقتصاد کلان قرار دارند. اقتصاددانان عموماً انتخاب سیاست را به عنوان متغیری برونزا یا انتخابی از سوی برنامه ریز خیرخواه اجتماعی می‌پندارند. تازگی رهیافت اقتصاد سیاسی کلان تأکید بر فرایند سیاسی و درگیری‌های بین افراد به عنوان تعیین‌کننده‌های انتخاب سیاسی می‌باشد. [۲]

ادبیات جدید اقتصاد سیاسی رشد بر مبنای ثنور یهای امور اقتصادی نهاد‌گرای جدید در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ بعد از مشاهده نتایج برنامه‌های تعدیل ساختاری که سر منشأ نئوکلاسیکی داشتند به اوج خود رسید. عوامل سیاسی نظیر بی ثباتی سیاسی، کیفیت دولت، توزیع درآمد، نظام سیاسی و غیره که قبلاً مفروض پنداشته می‌شدند اکنون نقش عامل اصلی را در تبیین تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها به خود گرفته‌اند.

## ۲-۲- نهادها<sup>۱۳</sup>

نهاد مفهومی گسترده دارد که به اشکال مختلف تعریف شده است، اما متأسفانه تعریف روشن و قابل‌سنجشی که بر روی آن اجماع باشد وجود ندارد. به گفته داگلاس نورث<sup>۱۴</sup> (۱۳۷۷) نهاد که جامع‌ترین می‌باشد در این طیف قرار می‌گیرد و بیان می‌کند "نهادها، قوانین بازی در جامعه‌اند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی. در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیر عقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هم‌هنگی را شکل می‌دهند." از این لحاظ نهادها خوب به عنوان ایجادکننده یک ساختار انگیزشی مطرح می‌شوند که باعث کاهش نا اطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی می‌گردند.

بنابراین می‌توان بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شد (نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). قانون اساسی یک کشور نمونه‌ای از نهاد سیاسی است که در آن ساختار کلی از نهادهای سیاسی تعریف شده است، برای نمونه نحوه انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آن‌ها را توصیف می‌کند به گونه‌ای که ممکن است قدرت را به یک رئیس‌جمهور که به طور دمکراتیک انتخاب شده است بدهد یا به یک دیکتاتور. بنابراین نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده

و محدودیت‌های اعمال شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است. نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل‌دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهای اقتصادی خود توسط نهادهای سیاسی و به طور کلی‌تر توسط نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند. در کل در ارتباط با توزیع منابع تضاد منافی وجود دارد و تا حدی در مورد نهادهای اقتصادی. یک عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است که خود آن به طور معنی‌داری از سوی ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌گردد. این که چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد که چه کسی قدرت سیاسی را برای ایجاد یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار داشته باشد. آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی در یک جامعه به شمار می‌روند که در شکل دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند. [۹]

فعالیت جمعی منافی را برای جامعه در پی دارد که با عمل فردی حاصل نمی‌شود بنابراین ابتکارات عمل جمعی موفقیت‌آمیز می‌تواند به عنوان بهبود دهنده رفاه به شمار آید. اما این عمل جمعی در کنار منافع هزینه‌هایی (مانند رفتارهای فرصت‌طلبانه و سواری مجانی در جهت حداکثر سازی منافع شخصی) را نیز در بر دارد و برای کاهش این هزینه‌ها ابزارهایی اجتماعی مورد نیاز است که نهادها همان ابزارهای مناسب برای این منظور محسوب می‌شوند به خاطر این که نهادها به حل مسائل مربوط به هماهنگی برنامه‌های کارگزاران، به ارتقای رفتارهای مشارکتی و ماورای فرصت‌طلبی کمک می‌کنند و پیامدهای خارجی کارگزاران را درونی کرده و نیز باعث کاهش عدم اطمینان در فعالیتها می‌شوند. نهادها هم‌چنین از تکوین سرمایه اجتماعی و از تجربه عمل جمعی تاریخی که به نوبه خود بر احتمال پذیرش فعالیت جمعی اثر مثبت دارد حمایت می‌کنند. اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سه ویژگی کلیدی رفتار انسانی را شکل می‌دهند که تمایل به ایجاد مشارکت و تداوم آن در طول زمان را زیر تأثیر خود قرار می‌دهند. رابطه مدور بین اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سطح مشارکت در بین افراد را افزایش می‌دهد و بنابراین زمینه را برای قوه ابتکار فعالیت جمعی مهیا می‌سازد. در این زمینه نهادها قادر به ایجاد مجموعه درستی از انگیزه‌ها خواهند بود که می‌توانند برقراری رابطه دایره‌وار بالا را سرعت بخشند و گسترش رفتارهای مشارکتی را آسان و مجاز نمایند. [۱۳]

## ۲-۲-۱- نهادهای حاکمیتی و حکمرانی خوب<sup>۱۵</sup>

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی "دولت" معنا و مفهوم روشنی ندارد. بانک جهانی حکمرانی را به عنوان "روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود" تعریف می‌کند. توانمندسازی دولت مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در مقابل دیدگاه‌های قبلی توسعه نه دولت بزرگ و نه دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه اعتقاد بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی‌شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند.

کافمن<sup>۱۶</sup> و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت را بیان کردند که در این مقاله نیز از آن به ره جسته‌ام و اعتقاد بر این است که هر قدر در یک کشور دولت پاسخگوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیش تر باشد، مقررات اضافی و هزینه‌ها کم‌تر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر خواهد بود و به تعبیری گفته می‌شود که حکمرانی خوب برقرار است.

## ۲-۲-۲- چرا نهادها در برخی کشورها ضعیف‌تر و در برخی دیگر قوی‌ترند؟

مطالعات اخیر اهمیت ویژه‌ای به نقش ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی در شکل‌گیری نهادها می‌دهند. هر چند تعدادی از این مطالعات نقش ویژگی جغرافیایی را رد نمی‌کنند با این حال بر نقش نهادها به عنوان واسطه‌ای کلیدی ما بین اثرات جغرافیایی (نزدیکی به دریا، فاصله از بازارهای اصلی، شرایط آب و هوایی و ...)، تاریخی و عملکرد اقتصادی تأکید دارند. این ادبیات، اختلاف نهادی جاری میان برخی کشورها را به الگوهای تاریخ استعماری نسبت می‌دهند. برای نمونه تفاوتی بین کشورهایی که اروپایی‌ها به مدت زیادی استعمار کرده‌اند با آن‌هایی که مدت کوتاهی مستعمره بوده‌اند و یک نخبه سیاسی محلی برای مدیریت و استخراج منابع طبیعی اعمال قدرت می‌کرده است، وجود دارد. در مورد اول توسعه نهادی در جهت تشویق مشارکت گسترده در فعالیت سیاسی و اقتصادی بوده است که موجب اختراعات، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شده است. اما در دومی با تأکید نهادی بر حفظ قدرت و ثروت حاکم سیاسی، شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار چندان مناسب نبوده است. عاصم اوغلو و همکاران (۲۰۰۱) به بررسی اثر اشکال مختلف استعمار در قرون ۱۷ تا ۱۹ بر روی

نهادها پرداخته‌اند. ایشان بین دو شکل استعمار یعنی "استعمارگران ساکن"<sup>۱۷</sup> و "دولت‌های چپاولگر"<sup>۱۸</sup> تمایز قائل می‌شوند به طوری که در اولی اروپاییان مهاجر به همراه خود نهادهایی چون حقوق مالکیت، اعمال حاکمیت قانون و حمایت از سرمایه و رشد و ... را به آنجا می‌برند (امریکا، استرالیا و نیوزلند از این نوع مستعمرها هستند). اما نوع دوم استعمار به تأسیس دولت‌های محلی محدود شده و تأکید بر ایجاد و تحکیم نهادها و قوانین نبوده است بلکه استخراج منابع طبیعی را مد نظر داشت (اغلب کشورهای امریکای لاتین و زیر صحرای افریقا). نهایتاً ایشان بیان می‌کنند که منشأ استعمار اثرات پایداری بر شکل‌گیری و تقویت نهادها و به طور کلی بر عملکرد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارد.

همچنین عاصم اوغلو (۲۰۰۴) در بررسی دیگری از عواملی چون ایدئولوژی و تضاد اجتماعی به عنوان منابع احتمالی دیگر تفاوت نهادی کشورها یاد می‌کند. جوامع با ایدئولوژی‌های مختلف ممکن است نهادهای متفاوتی با استدلال‌های متفاوت انتخاب کنند. اگر جوامع مختلف باورهای متفاوتی دربارهٔ این که چه چیزی از نظر اجتماعی کارا است داشته باشند آن‌ها می‌توانند به طور عقلایی نهادهای مختلفی انتخاب کنند. تفاوت‌های عقیدتی به طور واضح نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست‌ها و نهادها بازی می‌کنند. محیط نهادی کشور کره بعد از جنگ نمونه خوبی برای این بحث است زیرا زمانی که دو کره از هم جدا شدند دو ایدئولوژی متفاوت بر آن‌ها مسلط شد که هر کدام منجر به شکل‌گیری نهادهای مناسب خود در آن کشور شدند، در کره جنوبی نظام سرمایه‌داری باعث تکوین نهادهایی چون حقوق مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار و ... شد در مقابل در کره شمالی نظام کمونیست که مخالف مالکیت خصوصی بود به شکل‌گیری نهادهایی چون مالکیت عمومی، تمرکز قدرت و دیگر قوانین اقتصادی ضد نظام بازار منجر شد.

بر اساس رویکرد تضاد اجتماعی، نهادها همیشه توسط کل جامعه انتخاب نمی‌شوند (و همیشه در راستای منافع جمع نمی‌باشند)، بلکه توسط گروه‌هایی انتخاب می‌شوند که کنترل قدرت سیاسی را در دست دارند (شاید در نتیجه تضاد با گروه‌های دیگر). این گروه‌ها نهادهایی را انتخاب می‌کنند که حداکثر منافع شخصی‌شان را تأمین کنند و نهادهایی که انتخاب می‌شوند ممکن است حداکثرکننده درآمد، ثروت و منافع کل جامعه نباشند.

بعد از بررسی منابع احتمالی تفاوت نهادها در کشورهای مختلف پرسشی زیر عنوان چرایی تداوم نهادهای ناکارآمد در برخی کشورها مطرح می‌شود. توضیحی که برای آن می‌شود بیان کرد این است



که قدرت سیاسی در صورت اعمال نهادهای کارآمد زمینه قدرت یافتن گروه‌های مخالف را فراهم می‌کند. برای نمونه در صورتی که نخبگان سیاسی اقدام به اعمال نهادهای کارآمدی در حوزه سیاست و اقتصاد کنند که باعث قدرتمند شدن گروه‌های مختلف جامعه و کوتاه شدن دست خود از رانت‌های ویژه گردد، در این صورت در واقع دشمن بالقوه خود را که به دلیل ضعف سیاسی و اقتصادی قادر به مقابله با هیئت حاکمه نبودند تقویت می‌کند؛ لذا به خاطر ترس از این تهدید بالقوه نخبگان سیاسی ممکن است با تغییرات نهادی که باعث بهبود عملکرد اقتصادی شود مخالفت کنند. به همین ترتیب نهادهای ناکارآمد تقویت کننده خود هستند.

### ۲-۳ - نهادهای و رشد اقتصادی

#### ۲-۳-۱ - نهادهای عامل رشد یا رشد عامل نهادها:

ادبیات اقتصاد سیاسی رشد همواره با این پرسش بحث برانگیز همراه بوده که آیا توسعه سیاسی مبنای توسعه اقتصادی است یا بالعکس؟ باید توجه داشت تا به امروز جواب قاطعی برای این سوال داده نشده است و دو رویکرد در ارتباط با آن مطرح است. رویکرد نخست بر بسترسازی نهادی و شروع با دموکراسی و اعمال کنترل‌های دیگر روی حکومت به عنوان مکانیسمی برای تأمین حقوق مالکیت تأکید دارد، با وجود چنین نهادهای سیاسی انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری در سرمایه‌فیزیکی و انسانی و بنابراین رشد اقتصادی حاصل شود. رویکرد دوم بر ضرورت توسعه اقتصادی (انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی) جهت شروع فرایند تأکید دارد به طور مشخص آن را لازمه دموکراسی پایدار و برپایی برخی دیگر از نهادها می‌داند. هر دو رویکرد از مبانی عقلانی گسترده‌ای برخوردارند. اهمیت نهادسازی و محدود کردن حکومت از طرف اقتصاد نهادگرایی جدید مورد تأکید واقع شده و اخیراً ادبیات رشد اقتصادی که با کارهای ناک و کفر (۱۹۹۵) شروع می‌شود به اثرات نهادهای خوب بر رشد اقتصادی می‌پردازد. رویکرد دوم به لیپست<sup>۱۹</sup> (۱۹۵۹) بر می‌گردد که خود او نیز آن را به ارسطو نسبت می‌دهد. لیپست معتقد است تنها در جوامعی ثروتمند که فقر در حداقل نسبی خود می‌باشد شهروندان می‌توانند آگاهانه در امور سیاسی مشارکت داشته باشند. وی هم‌چنین بیان می‌کند که مردم آموزش دیده اختلافاتشان را به جای نزاع‌های سخت از طریق گفتگو و انتخاب حل می‌کنند. گلوهر در همین راستا اشاره می‌کند که سرمایه انسانی بالا منجر به سیاست‌های خوب و ثبات سیاسی بیشتر می‌شود، پیامد خارجی اصلی سرمایه انسانی به تکنولوژی بستگی ندارد، بلکه سیاسی است: به طوری که دادگاه‌ها و مجامع قانونگذاری جایگزین تفنگ‌ها شده و این اصلاحات باعث حمایت بیش‌تر از حقوق مالکیت و رشد اقتصادی خواهد شد.

رویکرد اول نیز از پشتوانه نظری قوی برخوردار است و کارهای تجربی مهمی در تأیید اهمیت نهادها بر رشد



اقتصادی انجام شده است. بندسن<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۵) نهادها را شکل دهنده محیط اقتصادی می‌داند که شرکت‌ها و افراد در آن فعالیت می‌کنند. به طور خاص نهادها تأمین‌کننده مشوق‌هایی برای بنگاه‌ها و افراد می‌باشند. به طور کلی، یک فعالیت اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری در یک فعالیت تولیدی، با دو نوع بازده خصوصی و اجتماعی همراه است. بازده خصوصی<sup>۲۱</sup>، بازدهی خالصی است که برای کارگزاری که فعالیتی را متعهد شده حاصل می‌شود، در حالی که بازدهی اجتماعی<sup>۲۲</sup>، بازده داخلی کل برای اقتصاد است (مجموع بازدهی‌ها برای کارگزاران).

مالیات بر سود، شکافی را بین بازدهی بعد از مالیات (بازدهی خصوصی) و بازدهی قبل از مالیات (بازدهی اجتماعی) ایجاد می‌کند و این امر انگیزه سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد. نهادهای نامناسب اثر مشابهی مانند مالیات روی بازدهی افراد دارند. بنابر این نهادها از طریق به دست دادن "قیمتهای درست"<sup>۲۳</sup> باعث رشد می‌شوند، یعنی بازدهی خصوصی و اجتماعی را به یک‌دیگر نزدیک می‌کنند، به طوری که وجود نهادهای خوبی چون حقوق مالکیت خوب تعریف شده از طریق پایین آوردن هزینه‌ها، بازدهی خصوصی مورد انتظار را به بازدهی اجتماعی نزدیک می‌کند.

امروزه اهمیت نهادها بر عملکرد اقتصادی تقریباً پذیرفته شده است اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد وارد کردن نهادها به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت نحوه اثرگذاری آنهاست. چرا که اثرگذاری اغلب نهادها بر رشد، غیر مستقیم بوده و از طریق مجاری متفاوتی صورت می‌گیرد که شناخت این مجاری و ارتباط نهادها با یک‌دیگر موضوعی مهم‌تر از خود نهادهاست، لذا در این قسمت به اختصار به این موضوع می‌پردازیم.

## ۲-۳-۲ - کانال‌های اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی

### ۲-۳-۲-۱ - حق اظهار نظر و پاسخگویی

این شاخص بیانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... می‌باشد که ما با عنوان شاخص دمکراسی از آن یاد می‌کنیم.

در مورد رابطه بین دمکراسی و عملکرد اقتصادی مطالعات زیادی انجام شده که برخی قائل به اثر مثبت و برخی دیگر معتقد به اثر منفی دمکراسی بر رشد می‌باشند. بارو<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۶) این رابطه را به شکل U معکوس برآورد کرده و بیان می‌کند در صورت وجود شکل کاملی از دیکتاتوری در یک کشور، بهبود در حقوق سیاسی منجر به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور می‌شود که این خود باعث افزایش رشد می‌شود، اما در کشورهایی که از سطوح متوسطی از حقوق سیاسی برخوردارند، افزایش حقوق سیاسی به خاطر تشدید توجه مردم و مسئولان به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال مختلف توزیع مجدد درآمد باعث تضعیف رشد

اقتصادی خواهد شد.

در حکومت‌های مقتدر لیبرال یعنی کشورهایی که قبلاً سیستم صیانت از حقوق مالکیت و حقوق مدنی (حقوق غیر سیاسی مانند وضعیت زندگی، قراردادهای و مالکیت و غیره را شامل می‌شود) در آن‌ها ایجاد شده و مکانیسم‌ها و سنت‌هایی را برای قانون و مقررات تثبیت کرده باشند، فرایند دمکراتیزه شدن با هزینه کم و منافع بیش‌تری همراه خواهد بود. اما زمانی که دمکراتیزه شدن در حکومت مقتدر غیر لیبرال اتفاق می‌افتد یعنی در کشورهایی که نظم بر پایه قانون ایجاد نمی‌شود، نتیجه ایجاد دموکراسی‌های غیر لیبرال است؛ اشتباهی که در تأمین ظرفیت نهادی رخ می‌دهد و اثر مخرب آن را بر رشد اقتصادی می‌توان پیش‌بینی کرد.

### ۲-۳-۲- کنترل فساد

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارتست از: "سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی. برای نمونه پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی." این شاخص مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثر بخشی تدابیر ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه‌گیری می‌کند. ادبیات موجود در این زمینه گسترده است، به طوری که حتی برخی بر این باورند که فساد به دو شیوه باعث تسریع رشد می‌گردد:

۱. فعالیت‌های فاسدی چون رشوه، اجتناب از تأخیرات اداری را برای افراد ممکن می‌سازد.
  ۲. پرداخت رشوه به صورت نرخ کارمزدی<sup>۲۵</sup> انگیزه کارگزاران دولتی را برای کار بیشتر می‌کند.
- اما اغلب محققان مانند مورو<sup>۲۶</sup> و بندسن رویکرد بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های مختلف باعث تضعیف رشد می‌شود. در زیر به اختصار به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. دزدیده شدن سرمایه‌های عمومی توسط افراد فاسد
۲. انحراف سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آن‌ها بیش‌تر است (بدون توجه به میزان ضرورت پروژه).
۳. فساد به عنوان یک مالیات روی سرمایه‌گذاری خصوصی (مثلاً مبلغ پرداختی به عنوان رشوه و ...) باعث کاهش سود و سرمایه‌گذاری می‌شود.
۴. فساد باعث انحراف منابع به ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیر مولد و مضر مانند دزدی، رانت خواری و ... می‌شود.

## ۲-۳-۲-۳- ثبات سیاسی

بیانگر مفاهیمی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا می‌باشد. در اکثر بررسی‌های اخیر بیان می‌شود که بی‌ثباتی سیاسی از طریق از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

بی‌ثباتی سیاسی از کانال سرمایه و نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته باشد. برای مثال نااطمینانی سیاسی با بی‌ثباتی سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز افزایش می‌دهند. در واکنش به این، نرخ‌های سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. علاوه بر این، ناکارآمدی تولیدی ایجاد شده به واسطه بی‌ثباتی سیاسی، مانند تجزیه جدول زمانی سرمایه‌گذاری، تولیدات نهایی متناظر داده‌های تولیدی را کاهش خواهد داد. نتیجه‌گیری می‌شود که تمام شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی (کودتاهای موفق و ناموفق...) از طریق اثر منفی خود روی تولید نهایی سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. [۵]

## ۲-۳-۲-۴- حاکمیت قانون

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مولفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشند. بارو (۱۹۹۹) در ارتباط با اثرات اقتصادی نهادهایی چون حقوق مالکیت و سیستم قضایی می‌گوید: "از آنجایی که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، تنها در صورتی اقدام به بر عهده گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری می‌کنند که احتمال منطقی از منتفع شدن از تلاششان موجود باشد. بنابراین اگر حقوق مالکیت خوب تأمین نشده باشد به خاطر جرم و جنایت بیش‌تر، نرخهای بالای مالیات و یا احتمال بالای مصادره اموال توسط دولت، تلاش و سرمایه‌گذاری از سوی مردم کاهش می‌یابد."

## ۲-۳-۲-۵- کیفیت بوروکراسی

این شاخص بیانگر مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، دسترسی به بازارهای سرمایه می‌باشد. مقررات کارا اهداف رفاه اجتماعی وضع شده توسط دولت را با هزینه کم‌تر محقق می‌سازد.

هزینه‌های اقتصادی بوروکراسی اداری به دو شکل کلی نمایان می‌شود [۱۸]:

۱. هزینه‌های مستقیم مدیریت سیستم قانونگذاری، که در داخل دولت و از طریق تخصیص‌های بودجه‌ای در قالب‌های مقرراتی درونی شده.

۲. هزینه‌های پذیرش مقررات، که برای قانونگذار برون‌زا است و بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌افتد به صورت انطباق با قوانین یا طفره رفتن از پذیرش آن‌ها.

### ۲-۳-۲-۶- اثر بخشی دولت

کارایی یا اثر بخشی دولت با سیاستگذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت سیستم بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانونگذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخگویی و شفافیت اشاره می‌کند. به علاوه کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند. [۲۳]

### ۲-۴- دیدگاه اسلام

دولت در هر نظام اقتصادی نقش و وظیفه خاصی دارد. در نظام سرمایه‌داری این نقش به حداقل رسیده، در حالی که در نظام سوسیالیسم، دولت، مدیریت سیاست‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را به عهده داشته و از حداکثر دخالت در اقتصاد برخوردار است. در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته‌ای دارد. نقش دولت ایجاد شرایطی است که مردم بتوانند مطابق اهداف عالی اسلام زندگی کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷: ۲۰۰). نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ نشان می‌دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر (ص) مطرح بوده و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است (موسویان، ۱۳۸۰:

۵۷). مهم‌ترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی در صدر اسلام عبارت بودند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، عمران و آبادانی، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اقتصادی، برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت اشتغال کامل، تامین اقتصادی، توازن اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی و تامین رفاه اقتصادی

با نگاهی دقیق به وظایف اقتصادی دولت در اسلام پی می‌بریم که اسلام به عوامل نهادی تاثیرگذار بر رشد اقتصادی توجهی خاص داشته و با رهنمودهایی که دارد شیوه صحیح اداره اقتصاد را به منظور نیل به رشد اقتصادی نشان می‌دهد، که نمونه‌هایی از این رهنمودها در قالب شش عامل نهادی مورد

نظر مقاله در زیر بیان شده‌اند:

#### ۲-۴-۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی در صدر اسلام

در زمان صدر اسلام، اداره سیاست عمومی تحت رهبری و نظارت کامل پیامبر (ص) بوده که خط مشی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از سوی حضرت و با مشورت با بزرگان صحابه صورت می‌گرفت (ابوعبید، ۱۳۸۸: ۳۸۵-۳۸۳).

پیامبر اسلام (ص) در مدینه تعداد چهارده تن از بزرگان صحابه خود اعم از مهاجرین و انصار را در کمیته‌ای متشکل کرده بود. حضرت از اعضای این کمیته جهت مشورت و مذاکره در امور حکومت و مسایل جاری مسلمانان بهره می‌گرفت. هر یک از اعضا افرادی را در اختیار داشتند که از طریق آن‌ها از اوضاع و مسایل سایر مسلمانان خبردار می‌شدند و بدین وسیله ضمن کمک به پیامبر (ص) در مشورت‌های حضرت با ایشان، در رفع دشمنی‌ها و حل و فصل دعاوی بین مهاجرین و انصار اقدام می‌کردند (الکتانی: ج ۱، ص ۵۸).

#### ۲-۴-۲- کنترل فساد در صدر اسلام

جلوگیری از بعضی منکرات که جنبه اقتصادی دارد و در سطح جامعه شیوع می‌یابد، بدون استفاده از قدرت قانونی ممکن نیست؛ برای مثال، مقابله با احتکار، رباخواری، معاملات باطل و حرام، مانند خرید و فروش شراب و گوشت خوک و غیره، از توان تک تک افراد جامعه بیرون است؛ بنابراین اقتصاد کشور اسلامی نیاز به ناظرانی دارد که بر روند فعالیت‌های اقتصادی نظارت داشته باشند. به همین دلیل پیامبر (ص) فردی را به عنوان عامل خود و ناظر بر بازار مکه تعیین کردند (الکتانی: ج ۱، ص ۲۵۸).

و نیز با توجه به این که اصلی‌ترین هدفی که پیامبر برای آن برانگیخته شده، تربیت و هدایت انسان و نزدیک ساختن انسان به خداوند است، لذا با تقویت ارزش‌های معنوی افراد و با کنترل افرادی که وظیفه اجرایی از طرف دولت دارند از فساد جلوگیری می‌شود.

#### ۲-۴-۳- ثبات سیاسی در صدر اسلام

حفظ امنیت اجتماعی و سیاسی، بدون آمادگی نظامی و قدرت بازدارندگی ممکن نیست. تردیدی نیست که جهاد چه به صورت ابتدایی که در صدر اسلام برای دعوت کشورها به اسلام انجام می‌شده و چه به صورت جهاد دفاعی که در همه زمان‌ها اتفاق افتاده، نیازمند دخالت دولت در اقتصاد است. رسول خدا (ص) بیش از هر امر دیگری، به تقویت مجاهدان در راه اسلام اهمیت می‌داد. تقسیم چهار پنجم غنایم بین شرکت‌کنندگان در جهاد، مایه تشویق و تقویت مجاهدان بود. مصرف بخشی

از مالیات‌هایی که در اختیار حضرت بود، مثل اموال بنی نضیر، برای خرید سلاح و مرکب مورد نیاز در جنگ‌ها، در همان هنگامی که بعضی از مسلمانان دچار تنگدستی بودند، نشانه اهمیت جهاد بود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۵).

از سوی دیگر در صدر اسلام، اعراب به منظور به دست آوردن منابع و ثروت یک‌دیگر به جنگ و خونریزی می‌پرداختند. و اختلاف قبیله‌ای و نژادی در میان اعراب شایع بود.

اسلام با نفی تمامی تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و غیره همه مسلمانان را برادر یک‌دیگر دانسته و تفاوت افراد را در میزان تقوای آن‌ها می‌داند. از این رو پیامبر با برقراری حکومت واحد اسلامی، به مبارزه با این اختلافات پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت.

#### ۲-۴-۴- حاکمیت قانون در اسلام

یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تامین امنیت اقتصادی در سطح جامعه اسلامی می‌باشد. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند.

پیامبر (ص) در کنار وظایف خود، به رفع اختلاف و دعاوی مردم پرداخته و میان آن‌ها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت در سال فتح مکه افرادی را جهت قضاوت بین مردم به یمن فرستاد و نیز امام علی (ع) و محمد بن مسلمه را جهت اقامه حدود الهی به سوی قومی اعزام کرد (الکتانی: ج ۱، ص ۴۳).

#### ۲-۴-۵- کیفیت بوروکراسی در صدر اسلام

در صدر اسلام برای این منظور از دو راه کار استفاده می‌شد:

الف- تصحیح کارکرد بازار: به معنای لحاظ نمودن مجموعه‌ای از شروط، در خریدار و فروشنده، دو کالای مبادله شده با هم و نیز رعایت احکام خیراتی که در اثر عیب، غبن، نادیده خریدن و غیره پدید می‌آید. رسول خدا (ص) برای تصحیح روند مبادلات در بازار مسلمانان فرمود: اول یادگیری احکام دین، آنگاه خرید و فروش (غفاری، ۱۳۸۶: ۵۷).

ب- تسهیل ساز و کار بازار: رسول خدا (ص) خوش نداشت محدودیت‌های مصنوعی و فعالیت واسطه‌ها، باعث افزایش قیمت‌ها و در رنج افتادن مسلمانان شود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۳).

#### ۲-۴-۶- اثربخشی دولت در صدر اسلام

زمانی دولت در زمینه اقتصادی کارا خواهد بود که بتوان به هدف دولت‌ها در مداخله اقتصادی

پی برد. دولت‌ها با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در روابط اقتصادی دخالت می‌کنند.

برای دستیابی به عدالت اقتصادی در صدر اسلام چند راه کار استفاده شد:

الف- ایجاد فرصت‌های برابر برای همه مردم در تولید و تجارت

ب- جلوگیری در گرد آمدن ثروت‌های حرام

ج- گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به بینوایان

### ۳- پیشنهاد تحقیق:

در دو دهه اخیر که از عمر ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد سپری می‌شود، مطالعات تجربی زیادی درباره اهمیت عوامل نهادی بر رشد اقتصادی انجام شده است. اغلب این مطالعات با شاخصهای نهادی مختلف بیانگر ارتباط معنی‌دار نهادها با رشد اقتصادی می‌باشند. در جدول شماره ۱ به چند نمونه مهم از این بررسی‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول شماره ۱- برخی پژوهش‌های تجربی انجام شده در زمینه نهادها و رشد اقتصادی

پژوهشگران	شاخص‌های نهادی مورد استفاده در مدل	تأثیر شاخص‌های نهادی روی رشد
Butkiewicz L. James and (Yanikkaya) 2006	حاکمیت قانون و دموکراسی	هر دو اثر مثبت
Vijayaraghavan Maya and Ward A. William(2002)	تأمین حقوق مالکیت، دموکراسی، حکمرانی و اندازه دولت	اندازه دولت و تأمین حقوق مالکیت به ترتیب اثر منفی و مثبت معنی‌داری دارند
Barro, R. J. (1996)	حاکمیت قانون، دموکراسی و ثبات سیاسی	اثر دموکراسی غیر خطی و به شکل U معکوس و اثر حاکمیت قانون مثبت و معنی‌دار و همچنین بی‌ثباتی سیاسی (کثرت انقلاب‌ها، کودتاها و ترورهای سیاسی) اثر منفی دارد.
Knack, Stephen, Philip Keefer. (1995)	ریسک مصادره سرمایه‌ها توسط دولت، احتمال رد قراردادها از طرف دولت و فساد	اثر منفی و معنی‌داری دارند
Polterovich victor and popov Vladimir) 2006)	دموکراسی و حاکمیت قانون	اثر دموکراسی مثبت خواهد بود در صورتی که نظم و قانون در آن کشور موجود باشد. حاکمیت قانون نیز اثر مثبت دارد.
Mauro, P. (1995)	ثبات سیاسی، کارآمدی بوروکراسی (میانگینی از سیستم قضایی، کاغذ بازی و فساد)	هر دو اثر مثبت



## ۴-ارائه مدل تحقیق:

### ۴-۱- معرفی الگو

در اغلب مطالعاتی که اخیراً در ارتباط با رشد اقتصادی انجام گرفته شکل تعمیم یافته الگوی سولو که شامل عامل نهادی نیز می‌باشد به عنوان الگوی مناسب مورد استفاده قرار گرفته است. ما نیز در این پژوهش از روش بوتکیویکز و یانیکایا<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۶) در تعمیم الگوی سولو استفاده می‌کنیم. مدل مورد استفاده به شکل زیر می‌باشد:

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 \text{initialGDP} + \alpha_2 K_t + \alpha_3 H_t + \alpha_4 Z_t + U_t$$

که در آن:

$Y_t$ : رشد درآمد سرانه واقعی کشور (i)

$\text{initialGDP}$ : درآمد سرانه واقعی اولیه که در اینجا GDP مربوط به سال ۱۹۸۰ لحاظ شده در کشور (i) است.

$K_t$ : سهم سرمایه‌گذاری سالانه هر کشور از GDP سالانه آن که به عنوان سرمایه فیزیکی در کشور (i) است.

$H_t$ : میزان امید به زندگی در بدو تولد که به عنوان شاخص سرمایه انسانی مورد استفاده در کشور (i)

$Z_t$ : برداری از متغیرهای نهادی حاکمیتی (شامل شش شاخص: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت) به طور جداگانه و شاخص کلی حکمرانی خوب که میانگین شش شاخص در هر کشور (i) است.

$U$ : جمله پسماند الگو و  $\hat{U}$  اندیس مربوط به کشورها است.

داده‌های مربوط به نرخ رشد GDP، GDP اولیه و سهم سرمایه‌گذاری از GDP از جدول جهانی پن<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۶)، و داده‌های سرمایه انسانی از استرلی و میرووات<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۲) به دست آمده اند. هم‌چنین داده‌های مربوط به داده‌های حاکمیتی از کافمن و همکاران (۲۰۰۶) می‌باشد. این داده‌ها از ۲/۵- تا ۲/۵ رتبه بندی شده و بیش تر بیانگر کیفیت بهتر نهادها و در کل بیانگر حکمرانی خوب است. داده‌های مربوط به هر شاخص برای هر کشور به صورت متوسط دوره بررسی محاسبه و اعمال شده است.

### ۴-۲- نتایج تخمین الگو

روش مورد استفاده در این تحقیق برای برآورد الگو، داده‌های ترکیبی است. با توجه به بین کشوری بودن داده‌ها، ناهمسانی واریانس اجزای اخلاص به روش وایت<sup>۳۰</sup> مورد آزمون قرار گرفته و نتایج حاکی از عدم وجود

ناهمسانی واریانس بودند. همان طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده شاخص‌های نهادی با یکدیگر همبستگی بالایی دارند که تخمین آن‌ها در یک معادله رگرسیون واحد را ناممکن می‌سازد. بنابراین جهت دوری از این مشکل شکل پایه ای از مدل که همان شکل تعمیم یافته الگوی سولو بدون عامل نهادی است در نظر گرفته شده و در معادله‌های جداگانه‌ای هر کدام از شاخص‌های نهادی اضافه و تخمین زده می‌شوند. در مجموع هشت معادله خواهیم داشت. نتایج تخمین‌ها در پیوست آمده است.

جدول شماره ۲ - ضرایب همبستگی بین متغیرهای نهادی در داده‌های ترکیبی

متغیرها	آزادی‌های مدنی	حقوق سیاسی	حق اظهار نظر و پاسخگویی	کنترل فساد	حاکمیت قانون	ثبات سیاسی	کیفیت بوروکراسی	کارآمدی دولت	آزادی‌های اقتصادی	تکثر قومی
آزادی‌های مدنی	۱	۰/۹۳	-۰/۹۱	-۰/۶۲	-۰/۶۳	-۰/۶۷	-۰/۷۲	-۰/۶۵	-۰/۶۸	۱/۲۵
حقوق سیاسی		۱	-۰/۹۴	-۰/۶۱	-۰/۶۱	-۰/۵۴	-۰/۷	-۰/۶۲	-۰/۶۴	۱/۳۶
حق اظهار نظر و پاسخگویی			۱	۱/۷۹	۱/۷۸	۰/۶۷	۰/۸	-۱/۸	۰/۷۳	-۰/۳۳
کنترل فساد				۱	۰/۹۷	۰/۷۵	۰/۸	۱/۹۷	۱/۸۵	-۰/۲۸
حاکمیت قانون					۱	۱/۷۹	۱/۸۹	۱/۹۷	۱/۸۵	-۰/۲۸
ثبات سیاسی						۱	۰/۷۱	۱/۷۵	۰/۷۴	-۰/۰۸
کیفیت بوروکراسی							۱	۰/۷۵	۰/۷۴	-۰/۲۸
کارآمدی دولت								۱	۱/۸۶	-۰/۲۵
آزادی‌های اقتصادی									۱	-۰/۱۶
تکثر قومی										۱

جدول (۳)- برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرات مولفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی درحالت کلی

معادله هشتم	معادله هفتم	معادله ششم	معادله پنجم	معادله چهارم	معادله سوم	معادله دوم	معادله اول	
-۱۰/۵ (-۱/۹)	-۸/۸۱ (-۱/۷۵)	۱۲/۲۱ (-۲/۲۳)	-۱۰/۵۹ (-۲/۰۴)	-۱۱/۶ (-۲/۱۷)	-۱۱/۵ (-۲/۱۵)	-۱۳/۸ (-۲/۵)	-۱۴/۰۸ (-۲/۵۷)	ثابت
-۱/۴۶ (-۳/۸)	-۱/۷۲ (-۴/۷۱)	-۱/۱۲ (-۳/۰۶)	-۱/۶۲ (-۴/۰۲)	-۰/۹ (-۳/۲۱)	-۱/۴۵ (-۳/۴۸)	-۰/۸ (-۲/۳۸)	-۰/۷ (-۲/۴۸)	درآمد اولیه کشور (i)
۱/۱۴ (۵/۴۳)	۱/۱۲ (۵/۷۳)	۱/۲ (۵/۵)	۱/۲ (۵/۸۹)	۱/۱۵ (۵/۳۱)	۱/۲۱ (۵/۷۹)	۱/۲ (۵/۶)	۱/۲۸ (۵/۸۷)	سهم سرمایه گذاری از GDP کشور (i)
۶/۴ (۳/۸)	۶/۴۹ (۴/۱۸)	۶/۱ (۳/۵۴)	۶/۷ (۴/۰۹)	۵/۶ (۳/۳۵)	۶/۶۵ (۳/۸)	۵/۸ (۳/۳)	۵/۷۸ (۳/۲۹)	سرمایه انسانی کشور (i)
						۰/۱۲ (۰/۵)		حق اظهار نظر و پاسخگویی کشور (i)
					۰/۶۸ (۲/۳۶)			کنترل فساد کشور (i)
				۰/۴۹ (۲/۲۱)				ثبات سیاسی کشور (i)
			۰/۹۷ (۳/۱۲)					حاکمیت قانون کشور (i)
		۰/۶ (۱/۷۴)						کیفیت بوروکراسی کشور (i)
	۱/۰۹ (۳/۸۱)							اثر بخشی دولت کشور (i)
۱/۹۳ (۲/۷۱)								حکمرانی خوب در کشور (i)
۱۰/۰۶	۹/۲۱	۹/۷۲	۹/۶۶	۱۰/۹۴	۱۰/۴۴	۸/۷۳	۹/۸۷	عرض از مبدا کشور عربستان
۷/۸۲	۹/۸۸	۱۰/۳۶	۱۰/۸۲	۱۰/۵۲	۱۰/۴۱	۹/۷۵	۱۰/۸۶	عرض از مبدا مالزی
-۹/۸۸	-۱۰/۳۶	-۱۰/۸۲	-۱۰/۵۲	-۱۰/۴۱	-۹/۷۵	-۱۰/۸۶	-۱۰/۰۶	عرض از مبدا ایران
-۱۱/۰۶	-۱۰/۲۱	-۱۰/۷۲	-۱۰/۶۶	-۱۱/۹۴	-۱۱/۴۴	-۹/۷۳	-۱۰/۸۷	عرض از مبدا اندونزی
۱۰/۴۴	۱۰/۸۸	۱۱/۳۶	۱۱/۸۲	۱۱/۵۲	۱۱/۴۱	۱۰/۷۵	۱۱/۸۶	عرض از مبدا کویت
-۵/۴۴	-۵/۸۸	-۶/۳۶	-۶/۸۲	-۶/۵۲	-۶/۴۱	-۵/۷۵	-۶/۸۶	عرض از مبدا ترکیه
-۶/۸۸	-۷/۳۶	-۷/۸۲	-۷/۵۲	-۷/۴۱	-۶/۷۵	-۷/۸۶	-۷/۰۶	عرض از مبدا مصر
۰/۵۱	۰/۵۶	۰/۴۶	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۴۳	۰/۴۳	$\bar{R}^2$

جدول (۴)- برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرات مولفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی در حالت اثرات بین کشوری متغیر حکمرانی خوب

متغیر	معادله اول	معادله دوم	معادله سوم	معادله چهارم	معادله پنجم	معادله ششم	معادله هفتم	معادله هشتم	معادله نهم	معادله دهم
ثابت	-۱۲/۰۸ (-۳/۵۷)	-۱۴/۰۳ (-۲/۵۱)	-۱۴/۳۴ (-۲/۵۶)	-۱۳/۸ (-۲/۵)	-۱۱/۵ (-۲/۱۵)	-۱۱/۶ (-۲/۱۷)	-۱۰/۵۹ (-۲/۰۴)	۱۲/۲۱ (-۲/۲۳)	-۸/۸۱ (-۱/۷۵)	۱۵/۳۹ (-۲/۷۲)
درآمد اولیه در کشور (i)	-۰/۷ (-۲/۴۸)	-۰/۷ (-۲/۲۳)	-۰/۶۴ (-۲/۰۳)	-۰/۸ (۲/۳۸)	-۱/۴۵ (-۳/۴۸)	-۰/۹ (-۳/۲۱)	-۱/۶۲ (-۴/۰۲)	-۱/۱۲ (-۳/۰۶)	-۱/۷۲ (-۴/۷۱)	-۰/۹۱ (-۲/۵۶)
سهم سرمایه‌گذاری از GDP در کشور (i)	۱/۲۸ (۵/۸۷)	۱/۲۷ (۵/۶۹)	۱/۲۹ (۵/۷۹)	۱/۲ (۵/۶)	۱/۲۱ (۵/۷۹)	۱/۱۵ (۵/۳۱)	۱/۲ (۵/۸۹)	۱/۲ (۵/۵)	۱/۱۲ (۵/۷۳)	۱/۲۵ (۵/۶۳)
سرمایه انسانی در کشور (i)	۵/۷۸ (۳/۲۹)	۵/۷۸ (۳/۲۳)	۵/۶۹ (۳/۱۸)	۵/۸ (۳/۳)	۶/۶۵ (۳/۸)	۵/۶ (۳/۳۵)	۶/۷ (۴/۰۹)	۶/۱ (۳/۵۴)	۶/۴۹ (۴/۱۸)	۶/۱۳ (۳/۴۲)
آزادی‌های مدنی در کشور (i)		-۰/۱۶ (-۰/۲)								
حقوق سیاسی در کشور (i)			-۰/۲۱ (۰/۳)							
حق اظهار نظر و پاسخگویی در کشور (i)				-۰/۱۲ (۰/۵)						
کنترل فساد در کشور (i)				-۰/۶۸ (۲/۳۶)						
ثبات سیاسی در کشور (i)					-۰/۴۹ (۲/۲۱)					
حاکمیت قانون در کشور (i)						-۰/۹۳ (۲/۹)				
کیفیت بوروکراسی در کشور (i)								-۰/۶ (۱/۷۴)		
کارایی دولت در کشور (i)									۱/۰۹ (۳/۸۱)	
آزادیهای اقتصادی در کشور (i)										-۰/۲۵ (-۰/۹۷)
عرض از مبدا عربستان	۰/۰۷	-۰/۳۵	-۰/۱۵	-۰/۳۸	-۰/۳۴	-۰/۱۸	-۰/۲۷	-۰/۲۶	-۰/۳۴ (۱/۰۷)	-۰/۰۸ (-۰/۲۳)

۱/۵	۱/۰۷	۱/۴	۱/۲	۱/۳۷	۱/۲۳	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	عرض از مبدا مالزی
-۱/۰۴	-۰/۷۵	-۱/۰۶	-۰/۷	-۱/۰۷	-۰/۹	-۱/۱۷	-۱/۱۷	-۱/۲	-۱/۰۷	عرض از مبدا ایران
-۰/۴۲	-۰/۲۴	-۰/۲۷	-۰/۱۸	-۰/۳۱	-۰/۰۳	-۰/۴	-۰/۶۵	-۰/۳۸	-۰/۴۳	عرض از مبدا اندونزی
۱/۵۸	۱/۰۸	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۳۶	۱/۳۳	۱/۱۲	۱/۴۴	۱/۲۳	۱/۰۴	عرض از مبدا کویت
-۱/۳۶	-۰/۸۴	-۱/۰۵۲	-۰/۸۵	-۱/۲۵	-۰/۹۲	-۱/۱۲	-۱/۱۲	-۱/۰۶	-۱/۱۲	عرض از مبدا ترکیه
-۰/۴۵	-۰/۲۱	-۰/۲۴	-۰/۱۲	-۰/۳۲	-۰/۱۳	-۰/۴۱	-۰/۶۲	-۰/۳۶	-۰/۱۲	عرض از مبدا مصر
۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵۴	$\bar{R}^2$

## توجه

- تخمینها به روش داده‌های ترکیبی انجام گرفته است.
- متغیر وابسته، نرخ رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.
- اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-student را نشان می‌دهند.

## تحلیل نتایج

در جدول شماره ۳ معادله اول مربوط به تخمین اثر عوامل اقتصادی بر رشد را به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن شاخص‌های کلی حکمرانی بیان کرده و جدول (۴) بیان‌کننده حالتی از متغیرها به صورت متغیرهای حکمرانی تاثیرگذار به صورت مجزا در هر کشور است و نتایج جدول (۳) به دست آمده از نظر علامت و معنی داری هر سه عامل اقتصادی (درآمد سرانه اولیه، سرمایه فیزیکی و انسانی) موید نتایج مطالعات قبلی است. ضریب مربوط به درآمد سرانه اولیه منفی و معنی‌دار است که با مفهوم همگرایی کشورهای فقیر با کشورهای پیشرفته قابل بیان است. همگرایی، ویژگی مهم مدل نئوکلاسیک رشد است که در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. مفهوم همگرایی اخیراً به عنوان فرضیه تجربی مورد بهره‌برداری واقع شده، برای سطح پایین درآمد سرانه اولیه، نرخ رشد GDP پیش‌بینی شده بالاست. باید توجه داشت که همگرایی به شکل شرطی آن قابل پذیرش است، اگر همه اقتصادها فی نفسه مشابه هم باشند، مگر از نظر درآمد سرانه اولیه، در این صورت همگرایی مشاهده خواهد

شد. بارو (۱۹۹۶) بیان می‌کند که برای یک سطح داده شده از شرایط اقتصادی (مانند امید به زندگی و تحصیلات عالی اولیه، مرگ و میر پایین، مصرف پایین دولت، بستر نهادی مناسب برای فعالیتهای اقتصادی-سیاسی و شرایط دیگر) نرخ رشد به طور منفی به سطح اولیه GDP مرتبط خواهد بود. ویژگی همگرایی در مدل نئوکلاسیک ناشی از بازده نزولی سرمایه است. ضریب مربوط به دو متغیر سرمایه فیزیکی و انسانی مثبت و معنی‌دار بوده و بر اساس بررسی‌های پیشین بیانگر این است که هر چه یک کشور از سطح سرمایه‌گذاری بالا و نیروی کار سالم و توانمند برخوردار باشد رشد اقتصادی بالایی را شاهد خواهد بود، سرمایه انسانی در اشکال مختلف خود به واسطه کانال‌های مختلف به صورت مستقیم یا غیر مستقیم رشد اقتصادی را زیر تأثیر قرار می‌دهد، برای نمونه برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که بالا بودن نرخ تحصیلات عالی باعث بالا رفتن کارایی نیروی کار و هم‌چنین سوددهی سرمایه جذب شده را نیز بالا برده و باعث تسریع رشد می‌شود. سطح بالای تحصیلات زنان باعث بالا رفتن آگاهی آن‌ها نسبت به مسائل بارداری و کنترل جمعیت می‌شود که به طور غیر مستقیم رشد را متأثر می‌سازد.

در معادله دوم شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی (همان شاخص دموکراسی) اضافه شده و ضریب به دست آمده مثبت و غیر معنی‌دار است. مطالعات زیادی در مورد رابطه دموکراسی با رشد اقتصادی انجام شده که نتایج تقریباً متفاوتی را نشان می‌دهد. برخی از آن‌ها اثر دموکراسی روی رشد را مثبت و برخی دیگر منفی ارزیابی می‌کنند و دسته دیگر نیز مانند آمار تیاسن فارغ از اثر مثبت یا منفی دموکراسی روی رشد، آزادی را به عنوان شکل کلی دموکراسی اساس توسعه می‌دانند و معتقدند داوری در مورد اهمیت دموکراسی نباید محدود به نتایج اقتصادی آن باشد و این نوع نگرش را تنگ نظرانه می‌دانند. برخی از محققان بر این باورند که دموکراسی رشد را به طور غیر مستقیم و به واسطه کانال‌های متعددی تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش‌های تاورز و وگزیار (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که دموکراسی از طریق بهبود سرمایه انسانی و تا حدی پایین آوردن نابرابری درآمدی رشد را سرعت می‌بخشد. از طرف دیگر از طریق کاهش نرخ انباشت سرمایه فیزیکی و تا حدی با افزایش نسبت مصرف دولتی به GDP باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌گردد.

تفاوت در رژیم‌ها ممکن است رشد اقتصادی را به واسطه انتخاب‌های اجتماعی متفاوت زیر تأثیر قرار دهد. یک بخش اساسی از مخارج آموزشی به طور عمومی تأمین مالی شده، بنابراین عامل توزیع مجدد قوی می‌باشد؛ در صورتی که مطابق مبانی نظری مطرح شده دموکراسی‌ها نسبت به نیازهای

اساسی مردم حساس تر از دیکتاتورها باشند، آن‌ها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سرمایه انسانی را بهبود بخشد.

نابرابری درجه درآمد‌ها، نتیجه انتخاب‌های اجتماعی است که زیر تأثیر رژیم سیاسی قرار دارند. انتظار می‌رود که تغییر از دیکتاتوری به دموکراسی در تصمیم‌گیری‌های جمعی افراد بی‌بضاعت و فقیر تأثیر به‌سزایی داشته باشد. حق رأی داشتن افراد فقیر ممکن است فرایند سیاسی را در جهت منافع آن‌ها هدایت کند و دولت را جهت توزیع مجدد درآمدی تحت فشار قرار دهد.

کنترل فساد، شاخص دیگر نهادی است که در معادله سوم اضافه شده و ضریب به دست آمده نیز مثبت و معنی دار است. همان‌طور که در ادبیات مطرح شد برخی از محققان فساد را به عنوان روغن لای چرخ‌های بوروکراسی سنگین اداری قلمداد کرده و بر این باورند که فساد از دو طریق باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌گردد: ۱- فعالیت‌های فاسدی چون رشوه، اجتناب از تأخیرات اداری را برای افراد ممکن می‌سازد. ۲- زمانی که رشوه به صورت نرخ کارمزدی باشد در این صورت کارگزاران با جدیت و انگیزه بیشتر کار می‌کنند. اما مورو (۱۹۹۵) آن را نادرست دانسته و بیان می‌کند که پیشنهاد رشوه به ادارات باعث شکل‌گیری رویه‌ای می‌شود که کارهای اداری تا زمان پرداخت رشوه به کارکنان به تعویق می‌افتد و این باعث شکل‌گیری بوروکراسی سنگین برای کل اقتصاد و بالا بردن هزینه سرمایه‌گذاری و در نهایت تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد. نتایج به دست آمده در این مطالعه نیز موید این رویکرد نسبت به فساد است. یعنی سطح پایین فساد باعث تخصیص بهینه منابع عمومی و خصوصی، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. در معادله چهارم، شاخص ثبات سیاسی برآورد شده است، ثبات سیاسی از کانال سرمایه‌گذاری روی رشد اثر می‌گذارد، به طوری که در کشورهای که احتمال کودتا، شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مسالمت‌آمیز قدرت وجود دارد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری پایین بوده و سرمایه‌گذارها در چنین شرایطی سعی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن دارند. ضریب به دست آمده برای این شاخص مطابق پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار بوده و به این شکل قابل تفسیر است که در کشورهای که انتقال قدرت به شکل دمکراتیک و مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و شاهد کودتا، ترور و انقلاب نمی‌باشند از رشد اقتصادی بالایی برخوردارند.

شاخص حاکمیت قانون در معادله پنجم مورد آزمون واقع شده است. ضریب حاصل مطابق پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار بوده و بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع



قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی خواهد بود، شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز است و ... این عوامل باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و بدین وسیله باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود. کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است و نتایج رگرسیونی مربوط به آن در معادله ششم نشان داده شده است. مطالعات نشان می‌دهند که بوروکراسی اداری سنگین و سیستم مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را هم بر دولت به عنوان اعمال‌گر و هم بر سرمایه‌گذاران یا به طور کلی شهروندان به عنوان پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید و همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنی‌دار است. البته غیر معنی‌داری آن دال بر بی‌اهمیت بودن آن بر رشد نیست، بلکه به واسطه وجود متغیر سرمایه‌گذاری که بخشی از اثر آن بر رشد از طریق این متغیر صورت می‌گیرد قابل توجیه است. ضریب مربوط به شاخص اثر بخشی دولت در معادله هفتم مثبت و معنی‌دار است به این معنی که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت‌پیشین، توانمندی در انجام وظایف محوله در حوزه عمومی، سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار و ... باعث تسریع در فرآیند رشد شده است. چرا که دولت‌ها معمولاً سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و علاوه بر فعالیت مستقیم در حوزه‌های مختلف اقتصادی فراهم‌کننده بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی غیر دولتی نیز می‌باشند.

در نهایت آخرین معادله شامل شاخص حکمرانی خوب است که بیانگر کیفیت حکمرانی در یک کشور است. ضریب به دست آمده مطابق پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار است بدین معنی که هر قدر در یک کشور دولت پاسخگوتر و کارآمدتر و ثبات سیاسی بیش‌تر وجود داشته باشد و مقررات اضافی و هزینه‌ها کم‌تر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدود باشد، رشد اقتصادی بالا خواهد بود. در نهایت برآورد معادلات جدول ۴ با اضافه کردن متغیرهای نهادی دیگر حاکی از تاثیر گذاری متفاوت این متغیرهای شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی می‌باشد و لذا کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است که نتایج رگرسیونی مربوط به آن در معادله هشتم جدول نتایج نشان داده شده است. اهمیت یک رژیم مقرراتی مؤثر در تشویق رشد اقتصادی و توسعه به طور قابل ملاحظه‌ای علاقه در میان محققان را برای تحقیق در این حوزه در سال‌های اخیر دوچندان کرده است. نتایج مطالعات پیشنهاد می‌کند که بوروکراسی اداری سنگین و سیستم

مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را هم بر دولت به عنوان اعمال‌گر و هم بر سرمایه‌گذاران یا به طور کلی شهروندان به عنوان پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید و هم‌چنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. همان‌طور که شاهدیم ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنی‌دار می‌باشد. بایستی توجه داشت که معنی‌دار نبودن آن به معنی بی‌اهمیت بودن آن برای رشد نیست بلکه وجود متغیر سرمایه‌گذاری در طرف راست مدل و ترکیب اثر این دو شاخص می‌تواند عامل آن محسوب شود.

کارآمدی دولت، ششمین و آخرین شاخص حکمرانی است که نتایج مربوط به تخمین آن در جدول نتایج نشان داده شده است و مطابق پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار است. این بیانگر این موضوع است که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت پیشین، توانمندی دولت در حوزه وظایف محوله در عرصه عمومی، سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار و ... باعث تسریع در فرایند رشد اقتصادی می‌گردد، چرا که دولت‌ها معمولاً سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و علاوه بر فعالیت مستقیم در حوزه‌های مختلف اقتصادی فراهم‌کننده بستر مناسب برای فعالیتهای اقتصادی غیر دولتی نیز هستند.

آزادی اقتصادی تنها شاخصی است که برای نهادهای اقتصادی در نظر گرفتیم که مثبت اما برخلاف پیش‌بینی غیر معنی‌دار است، لذا در نهایت میزان تاثیرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی در کشورهای اسلامی چون ایران، ترکیه، مصر و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر کم‌تر بوده است و دلیل آن را نیز در اجرای صحیح سیاست‌ها و قانون‌مداری و ایجاد زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قابل اجرای سیاست‌های مختلف در این کشورها به ویژه در زمینه سیاست‌های اقتصادی باید دانست و از طرفی سیستم ضمانت اجرایی قانون در زمینه فراهم ساختن زمینه موفقیت در اجرایی سیاست‌ها و قواعد بازی در بین نهادها را باید ضعف در سیستم قضایی و مقرراتی این کشورها دانست. در حالت کلی اول این‌که نهادهایی که برای جوامع صنعتی اساسی هستند، ممکن است در کشورهای در حال توسعه چون کشورهای یاد شده به ویژه ایران زاید جلوه نماید. ایجاد بازار بورس، بازار اوراق قرضه، بازار اوراق خزانه و دفاتر تعیین نرخ اعتبارات. دفاتر اسناد و املاک و متروپولی و دفاتر یا مراکز استاندارد پرهزینه است و تصمیم در این مورد که آیا آن‌ها باید قبل از نیازهای بازار ایجاد شوند یا بعد بسیار دشوار است.

دوم: بعضی از نهادها در شرایط وجود مشکلات سیستماتیک غیرمولد هستند؛ برای مثال کارکنان

دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی و سایر کارکنان رسمی که با دستمزد بسیار ناچیزی مواجه اند موجب می‌شوند که بخش دولتی به جای این که کمکی برای بازار باشد به یک مانع تبدیل شود. برنامه‌ریزی نادرست و ضعیف در مورد هزینه‌های بخش عمومی موجب محروم شدن نهادها از منابع و کاهش کارایی آن‌ها می‌شود.

سوم: شاخص‌ها و معیارهای ساده‌ای برای نیازهای نهادی و اولویت آن‌ها در این کشورها وجود ندارد.

## ۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

در این مقاله با توجه به نحوه اداره اقتصادی جامعه در صدر اسلام و ذکر نمونه‌هایی از آن ملاحظه کردیم که پیامبر (ص) توجه خاصی به عوامل نهادی در جهت تنظیم امور اقتصادی و رشد و توسعه داشتند که این همان نتیجه‌ای است که اقتصاددانان غرب بعدها با تکمیل نظریه‌های رشد به آن رسیدند؛ به گونه‌ای که در این مطالعه تجربی نیز ما به همین نتایج دست یافتیم. نتایجی که از تخمین‌های انجام شده در این مطالعه به دست می‌آید بیانگر نقش مهم نهادها در عملکرد اقتصادی کشورها است و ضرایب مربوطه نشان می‌دهد که حکمرانی خوب یا در واقع نهادهایی که قدرت از طریق آن‌ها در یک کشور اعمال می‌شود اثر مثبت روی رشد اقتصادی دارند؛ اما در ارتباط با شاخص دموکراسی همان‌طور که مطالعات پیشین نشان داده، اثر دموکراسی روی رشد مبهم است اما رویکرد نسبتاً قابل قبولی که در این مورد قابل اتکاء است، اثر غیر مستقیم دموکراسی روی رشد از طریق کانال‌هایی چون بهبود سرمایه انسانی است.

از نتایج به دست آمده می‌توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی‌تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک از درجه اهمیت بیش‌تری برای رشد اقتصادی برخوردار هستند. اما باید توجه داشت همان‌طور که در متن نیز اشاره شد، اثر دموکراسی بر رشد بیش‌تر به عوامل نهادی دیگر نظیر حقوق مالکیت و حقوق مدنی بستگی دارد چرا که در صورت وجود چنین نهادهایی دموکراسی از طریق پاسخگو نگه‌داشتن مسئولان، شفافیت در عملکرد و جریان اطلاعات و هم‌چنین اتخاذ تصمیمات مردمی که نمونه عالی آن را در صدر اسلام می‌توان ملاحظه نمود، باعث بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود.

علاوه بر آزمون شاخص‌های شش‌گانه حاکمیتی به طور جداگانه متوسطی از این شاخص‌ها زیر

عنوان شاخص حکمرانی خوب نیز مورد آزمون واقع شده است. ضریب به دست آمده برای این شاخص کلی مطابق پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود به خوبی عمل کند و باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و ممانعت از فعالیت‌های ضد تولیدی نظیر رانت جویی، فساد و غیره می‌شود. در نهایت جهت بهبود و کاهش فساد اقتصادی در یک کشور در حال توسعه چون ایران ارائه پیشنهاداتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

شکاف درآمد بین کشورها و واگرایی فزاینده بین آن‌ها معضل دیرینه در ادبیات رشد اقتصادی محسوب می‌گردد که در طول چند دهه اخیر کارهای تجربی چشمگیری در جهت شناخت عوامل این واگرایی و شکاف و درمان آن انجام شده است، اما باید پذیرفت که این معضل با فراز و نشیب‌هایی همچنان گریبانگیر دنیای امروز می‌باشد. نهادگرایان یکی از دلایل عدم رفع این معضل را نسخه پیچی اقتصاددانان و نهادهای مهم بین‌المللی برای کشورها و به ویژه کشورهای توسعه نیافته بدون شناخت عوامل نهادی موجود در آن‌ها معرفی می‌کنند. از دیدگاه نورث، تاریخ اقتصادی کشورهای جهان سوم آکنده از نهادهایی است که به فعالیت‌ها و رفتاری اشکال تراشانه و تعلق ورزانه پاداش مثبت می‌دهند، این بدین معنا نیست که نهادهای مولد در این کشورها اصولاً وجود ندارند، بلکه منظور آن است که در این کشورها نهادهایی که به فعالیت‌های ضد اقتصادی و غیر مولد پاداش می‌دهند و انگیزه می‌بخشند بر سایر نهادها توفیق یافته‌اند، در حالی که در اقتصادهای مدرن این رابطه معکوس بوده است. بنابراین شناخت مشکلات اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای عقب افتاده و درمان آن‌ها مستلزم بر شناخت عوامل نهادی نظیر مذهب، آداب و رسوم، قوانین و مقررات و ... می‌باشد چرا که بنابه گفته نورث، از آنجایی که تغییرات در نهادهای غیر رسمی تدریجی و زمان بر است، تقلید قواعد و مقررات رسمی توسط یک کشور توسعه نیافته از یک کشور پیشرفته که نهادهای غیر رسمی متفاوتی دارد منجر به عمیق‌تر شدن مشکلات و ناپهنجاری‌ها در تمام حوزه‌های اقتصادی-سیاسی و اجتماعی می‌گردد. لذا سیاست‌گذاران و حاکمان کشورها به ویژه کشورهای توسعه نیافته برای رفع نابسامانی‌های اقتصادی بایستی از تقلید بی‌چون و چرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در کشورهای دیگر دوری جسته و سعی در شناخت عوامل فرهنگی و نهادی عقب ماندگی کشور خود و بومی کردن سیاست‌ها داشته باشند.

مطالعه در حوزه نهادها و وارد کردن آن‌ها در تحلیلهای اقتصادی در چند دهه اخیر توجه ویژه‌ای

را به خود جلب کرده است، به طوری که در دهه ۱۹۹۰ اغلب جوایز نوبل اقتصاد به متخصصان این حوزه تعلق گرفت. اما متأسفانه اکثر این تحقیقات در کشورهای پیشرفته و به ویژه در آمریکا انجام یافته است. در حالی که چند دهه از پیدایش این ادبیات در اقتصاد می‌گذرد هنوز در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه جای ویژه‌ای در محیط‌های علمی برای خود باز نکرده و بیش‌تر نظریه‌ها در این زمینه ماهیت وارداتی و تقلیدی دارند. در این میان کشور ما نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه از این جریان مستثنی نبوده و شاید با قاطعیت بتوان گفت که در میان کشورهای در حال توسعه نیز وضعیت بهتری ندارد. تئوری‌های نئوکلاسیک بر محیط دانشگاه‌های کشور چنان سایه افکنده که مجال فراگیری مبانی مکاتب دیگر اقتصادی چون نهادگرایی را نمی‌دهد. کارهای تجربی انگشت شماری هم که در این زمینه صورت می‌گیرد بر اساس علائق فردی است که چندان مورد توجه واقع نشده است.

باید توجه داشت که تحقیق در این زمینه با مشکلاتی همراه است که از آن جمله می‌توان به درجه اعتبار داده‌های مربوطه اشاره کرد؛ چرا که نهادها مجموعه‌ای کیفی می‌باشند که برای وارد کردن به تحلیل‌های اقتصادی نیازمند کمی شدن هستند و در این زمینه موسسات مختلفی در سطح بین‌المللی فعالیت دارند. آنچه که به عنوان پیشنهاد برای مطالعات آینده می‌توان بیان کرد، پژوهش در زمینه مبانی نظری اقتصاد نهادگرا و شناخت مفهوم و جایگاه نهادها در زندگی روزمره بشر و اقدام به شاخص‌سازی نهادی در کشور و جمع آوری آمار و اطلاعات مورد نیاز در این زمینه است و هم‌چنین تحلیل اثر هر یک از شاخص‌های حکمرانی مانند فساد، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و ... که به طور جداگانه بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 -New Institutional Economics
- 2 -Institutional Factor
- 3 -Voice and Accountability
- 4-Political Stability
- 5-Rule of law
- 6-Control of Corruption
- 7-Regulatory of Quality
- 8-Government Effectiveness
- 9 -Solow, Robert. M
- 10-Romer
- 11-Lucas
- 12-Spillover
- 13 -Institutions

- 14 - North
- 15 -Good Governance
- 16-Kauffman
- 17-Settler Colonies
- 18-Extractive States
- 19 -Lipset
- 20 -Bennedsen
- 21 -Private Return
- 22 -Social Return
- 23 -Prices Rights
- 24 -Barro
- 25 -Piec Rate
- 26 -Mauro
- 27-Butkiewicz and Yanikkaya
- 28- Penn World Table
- 29-Easterly and Miravat
- 30-Whites General Heteroscedasticity Test

### منابع:

- ۱- ابو عبید، قاسم بن سلام، الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- ۲- الکتانی، شیخ عبدالحی، (۱۳۸۸ ق) التراتیب الاداریه، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۳- بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول.
- ۴- داگلاس سی. نورث. (۱۳۷۷) «نهادهای تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، ترجمه محمد رضا معینی، سازمان برنامه و بودجه.
- ۵- غفاری، هادی، (۱۳۸۶) نظام اقتصادی صدر اسلام، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۶- مالک، محمد رضا، (۱۳۸۲) وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲.
- ۷- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۰) عدالت؛ محور آموزه‌های اقتصادی اسلام، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴.
- ۸- ویلی، برگستروم. (۱۳۷۸) «دولت و رشد»، ترجمه علی حیاتی، سازمان برنامه و بودجه.
- 9-Acemoglu, Daron and James A. Robinson, (2001) "A Theory of Political Transitions," American Economic Review, 91, 938-963.
- 10-Acemoglu Daron, Simon Johanson and James Robinson: (2004) "institutions as the fundamental cause of long-run Growth", Working paper.
- 11-A.K.Fosu: (2001) "Political instability and economic growth in developing economies: some specification empirics" Economics letters, 70 pp 289-294. www.sciencedirect.com
- 12-Barro, R. J. (1996) Determinants of economic growth: A cross-country empirical study. NBER Working paper 5698.
- 13-Barro, R. J. (1999). Determinants of Democracy. Journal of political Economy, vol. 107, no. 6.
- 14-Barro. R. J. (2000) Rule of law, Democracy, and economic performance, index of Economic Freedom, Ch 2, 31-49  
([http://www.heritage.org/research/features/index/ChapterPDFs/2000\\_Chapter\\_2.p](http://www.heritage.org/research/features/index/ChapterPDFs/2000_Chapter_2.p))
- 15-Bennedsen Morten, Malchow-moller, vinten Fredrik (2005). Institutions and Growth- a

- Literature Survey. Report 2005-1. Center for Economic and Business Research (CEBR).
- 16-Butkiewicz L. James and Yanikkaya (2006). Institutional quality and economic growth: maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both? *Journal of Economic modeling* 2006, 23, 648- 661. Available online at [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com)
- 17-Easterly, William, and Mirvat Sewadeh. (2002)“Global Development Network Growth Database” on the World Bank web site.  
<http://www.worldbank.org/research/growth/>
- 18-Freedom House Freedom IN THE world. (2006).  
<http://freedomhouse.org/ratings/index.htm>
- 19-Gagliardi Francesca:» (2007) Institutions and economic change: A critical survey of the new institutional approaches and empirical evidence», *The Journal of Socio-Economics*. [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com)
- 20-Glaeser.L. Edward, Rafael La Porta, Florenico Lopez-de-Silanes, and Andrei Sshleifer:» (2004) Do Institutions Cause Growth?» working paper.
- 21-Gurr and marshal of the Polity IV data set. (2000).  
<http://www.cidcm.umd.edu/inscr/polity>
- 22-Hali Edison and Nicola Spat for. (2004) Growth and institutions. Ch 3, 95-128
- 23-Hall, Robert E. and Charles I. Jones (1999) “Why Do Some Countries Produce So much more Output per Worker than others?” *Quarterly Journal of Economics*, 114, 83-116.
- 24-Jalilian Hossein, Kirkpatrick Colin and Parker David. (2006) The Impact of Regulation on Economic Growth in developing Countries: A Cross- Country Analysis. *World Development* vol. 35, no. 1, pp. 87-103.
- 25-Janine Aron:» (2000) Growth and Institutions: A Review of the Evidence», *The World Bank Research Observer*, vol. 15, no. 1, pp 99-135
- 26-Kauffman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2006). Governance matters V: Governance indicators for 1996–2005. World Bank  
[http://www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/Synthesis\\_GovMatters\\_IV.pdf](http://www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/Synthesis_GovMatters_IV.pdf)
- 27-Knack, Stephen, Philip Keefer. (1995) “Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures”, *Economics and Politics*, 7, 207-227.
- 28-Lipset, S. M. (1959) “Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy.” *American Political Science Review* 53: 69–105
- 29-Matsuo Hiroshi (1995) the rule of law and economic development: a cause or a result? (2006).
- 30-Mauro, P., Corruption and Growth, *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 110, pp. 681-712.
- 31-Polterovich victor and popov Vladimir. (2006) Democratization, quality of institutions and economic growth. Working paper.
- 32-Romer, Paul M. (1990) “Endogenous Technical Change,” *Journal of Political Economy*, 98, 71-102.
- 33-Summers, Robert, and Heston, Alan. “The Penn World Table (Mark 6.2): An Expanded Set of International Comparisons. [www.nber.org](http://www.nber.org)
- 34-Tavares Jose, Wacziarg Romain. (2001) How democracy affects growth. *European Economic Review* 45, 1341- 1378. [www.elsevier.com/locate/econbase](http://www.elsevier.com/locate/econbase)
- 35-Vijayaraghavan Maya and Ward A. William. (2005) Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross- National Analysis. NBER Working paper.